

کتابخانه مرکزی ایران، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۶۱، تلفن: ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷
 تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۶۱، تلفن: ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷
 تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۶۱، تلفن: ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷
 تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۶۱، تلفن: ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷

جین آستین

شماره ۱۰۰۸۳

نور تنگرابی

فهرست مطالب

مقدمه ۲

بخش اول (فصل های ۱ تا ۱۵) ۱۷۸ تا ۱۹۹

بخش دوم (فصل های ۱۶ تا ۲۱) ۲۷۶ تا ۳۲۹

فهرست منابع ۳۷۷

ترجمه
 رضا رضایی



تولید و انتشار در ایران
 تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۶۱
 تلفن: ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷



نشرنی

این کتاب به صورت مجلد در دسترس است. برای اطلاعات بیشتر، لطفاً به وبسایت نشرنی مراجعه کنید.
 تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۶۱، تلفن: ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷، ۸۷۷۷۷۷۷۷

سخن مترجم فهرست مطالب

سخن مترجم	۷
بخش اول (فصل‌های ۱ تا ۱۵)	۱۳۸ تا ۹
بخش دوم (فصل‌های ۱ تا ۱۶)	۲۷۶ تا ۱۳۹
فهرست نام‌ها	۲۷۷

۱۸۱۷ به سبب بیماری به وینستر کوچ کرد تا نزدیک پزشکش باشد. و در ۸ ژوئیه
 ۱۸۱۷ همان جا درگذشت.

چین آستین نوشتن را از بومیانی آغاز کرد. قبل از انتشار آثارش بارها در آن‌ها دست
 می‌برد و مازنی‌شان می‌کرد. چهار رمان عقل و احساس، فریب و تعصب، مسفیلد پارک
 و ایما به ترتیب در سال‌های ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۲ و ۱۸۱۶، یعنی در زمان حیات چین
 آستین منتشر شدند. رمان‌های نورنگرایی و ترفیب در سال ۱۸۱۸، یعنی بعد از مرگ
 نویسنده، به چاپ رسیدند. دو اثر به نام‌های تیدی مورزان و واتسن‌ها (نامام) نیز از
 کارهای اولیه چین آستین باقی مانده است. او پیش از مرگ مشغول نوشتن رمانی به نام
 سندین بود که قسمت‌های پراکنده آن در دست است. چین آستین در محیطی نسبتاً
 منزوی زندگی کرد و اوقات خود را بیشتر به نوشتن گذراند. به نظر می‌آید، او نسبی
 دووجهی داشت. هم طنز قدرتمندی داشت و هم اخلاقیات و روحیات آدم‌ها را خوب
 می‌شناخت. این دو وجه در نوشته‌های او نیز تجلی یافته است. زندگی اجتماعی و

سخن مترجم

جین آستین در ۱۶ دسامبر ۱۷۷۵ در استیونتن، همپشر، جنوب شرقی انگلستان، به دنیا آمد. او هفتمین فرزند یک کشیش ناحیه بود. در سال ۱۸۰۱ که پدرش بازنشسته شد، خانواده آستین به بث نقل مکان کرد. پدر در سال ۱۸۰۵ از دنیا رفت و جین آستین و مادرش چندبار نقل مکان کردند، تا سرانجام در سال ۱۸۰۹ در نزدیکی التن در همپشر ماندگار شدند. جین آستین در همین محل ماند و فقط چندبار به لندن سفر کرد. در مه ۱۸۱۷ به سبب بیماری به وینچستر کوچ کرد تا نزدیک پزشکش باشد، و در ۸ ژوئیه ۱۸۱۷ همان جا درگذشت.

جین آستین نوشتن را از نوجوانی آغاز کرد. قبل از انتشار آثارش بارها در آن‌ها دست می‌برد و بازبینی‌شان می‌کرد. چهار رمان عقل و احساس، غرور و تعصب، منسفیلد پارک و اما به ترتیب در سال‌های ۱۸۱۱، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴ و ۱۸۱۶، یعنی در زمان حیات جین آستین منتشر شدند. رمان‌های نورثنگرابی و ترغیب در سال ۱۸۱۸، یعنی بعد از مرگ نویسنده، به چاپ رسیدند. دو اثر به نام‌های لیدی سوزان و واتسن‌ها (ناتمام) نیز از کارهای اولیه جین آستین باقی مانده است. او پیش از مرگ مشغول نوشتن رمانی به نام سندیتن بود که قسمت‌های پراکنده آن در دست است. جین آستین در محیطی نسبتاً منزوی زندگی کرد و اوقات خود را بیشتر به نوشتن گذراند. به نظر نقادان، او نبوغی دووجهی داشت: هم طنز قدرتمندی داشت و هم اخلاقیات و روحیات آدم‌ها را خوب می‌شناخت. این دو وجه در نوشته‌های او نیز تجلی یافته است. زندگی اجتماعی و

خانواگی محملی است که نویسنده به کمک آن، با ژرفاندیشی، دربارهٔ انسان‌ها و روابط آن‌ها قضاوت می‌کند و نظر می‌دهد.

رمان‌های جین آستین از پرخواننده‌ترین آثار در ادبیات جهان‌اند و حدود دویست سال است که نسل‌های پیاپی باکشش و علاقهٔ روزافزون رمان‌های او را می‌خوانند. نورثنگرابی در سال ۱۸۱۸ (یک سال بعد از مرگ جین آستین) منتشر شد، اما طبق مدارکی که در دست است نویسنده نوشتن آن را در سال ۱۷۹۴ شروع کرده بود. در سال ۱۸۰۳ آن را با عنوان «سوزان» به ناشری سپرد، اما سال‌ها گذشت و کتاب منتشر نشد. جین آستین در سال ۱۸۱۶ متن را بار دیگر برای انتشار آماده کرد؛ در مارس ۱۸۱۷ (چند ماه قبل از مرگش) نام اثر را به «دوشیزه کاترین» تغییر داد اما از انتشار آن صرف‌نظر کرد. بعد از مرگ جین آستین، این اثر با عنوان نورثنگرابی در دسامبر ۱۸۱۷ چاپ شد (همراه رمان دیگری به نام ترغیب).

قهرمان این رمان دختری است ساده‌دل که عاشق رمان‌های ترسناک آن زمانه است و خودش را در نقش قهرمان این رمان‌ها می‌بیند. بعد از سفر به یک شهر بزرگ و پرفروغ و آمدن با آدم‌های تازه‌ای روبه‌رو می‌شود و تجربه‌هایی را از سر می‌گذراند و به درکی از واقعیت می‌رسد که با دنیای آن رمان‌ها تفاوت دارد.

متنی که مترجم مبنای کار قرار داده است همان نسخهٔ سال ۱۸۱۸ است که بعدها ویراستاران و نقادان در آن اصلاحاتی اعمال کرده‌اند.

امیدوارم این ترجمه نیز مانند چهار ترجمهٔ قبلی (عقل و احساس، غرور و تعصب، منسفیلد پارک و اما) مورد استفادهٔ دوستداران ادبیات قرار بگیرد و دلگرمی مترجم و ناشر برای ترجمه و انتشار یک رمان دیگر جین آستین (ترغیب) افزایش یابد و این پروژه به فرجام برسد.

از مدیریت و کارکنان نشر نی که کتاب را به شکل شایسته‌ای تولید کرده‌اند و از همهٔ کسانی که مشوق من بوده‌اند و به بهبود متن ترجمه کمک کرده‌اند، بخصوص از سرکار خانم مونا سیف که کل متن ترجمه را خواندند و پیشنهادهای مفیدی دادند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

رضا رضایی

زمستان ۱۳۸۶